



نگاه سیاستمدار

علی باقری مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت اصلاحات:

قانون استعلام‌ها زمینه‌ساز روی کار آمدن مدیران کوتاه‌قد خواهد شد

علی باقری؛ فعال سیاسی اصلاح طلب و مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت سیدمحمد خاتمی در گفت‌وگو با هم‌میهن وجود ماده‌ای در قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را منجر به سوءاستفاده سیاسی می‌داند و معتقد است این قانون زمینه‌ساز گرفته شدن جسارت از مدیران و رشد مدیران کوتاه‌قد خواهد شد. متن این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

علی باقری؛ فعال سیاسی اصلاح طلب و مدیرکل سیاسی وزارت کشور در دولت سیدمحمد خاتمی در گفت‌وگو با هم‌میهن وجود ماده‌ای در قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را منجر به سوءاستفاده سیاسی می‌داند و معتقد است این قانون زمینه‌ساز گرفته شدن جسارت از مدیران و رشد مدیران کوتاه‌قد خواهد شد. متن این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

«سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در مصاحبه‌ای اعلام کرده که رئیس‌جمهور برای تشکیل کابینه استعلام ۷۳ نفر را گرفته و برخی از این استعلام‌ها منفی درآمده است. تحلیل و برداشت شما از این موضوع چیست؟ اصولاً تصویب و وجود قانونی به این شکل چه دلایلی می‌تواند داشته‌باشد؟»

در ابتدا بگویم باید توجه کنیم که این قانون سال ۱۴۰۱ محصول مجلس یازدهم است؛ مجلسی که شکل‌گیری آن عمدتاً در یک مسابقه یکطرفه در غیاب نیروهای اعتدالی و اصلاح‌طلب شکل گرفت و این ما را به این نکته متوجه می‌کند که غیبت در عرصه رقابت نه‌تنها منجر به بهبود شرایط نخواهد شد، بلکه می‌تواند شرایط آزادی‌ها و رقابت را برای دوره‌های بعد سخت‌تر کند. اما درباره متن قانون، سخت‌گیری‌های شدیدی را در خصوص انتصابات در رده‌های بالاتر دیده‌ایم در پست‌های حساس پیش‌بینی کرده است. قبل از این هم برای انتصابات معمول بود که استعلام صورت می‌گرفت؛ چون اصل این کار ضروری ندارد و خوب هم هست؛ زیرا ممکن است مدیر منصوب‌کننده اطلاعاتی از برخی پیشنهادها نداشته باشد و این استعلام می‌تواند دید او را بازرتر کند، پس در اصل موضوع اعتراضی نیست، اما این قانون چیزی که اضافه کرده این است که اجازه را از مقام منصوب‌کننده گرفته که بتواند با مسئولیت خودش و ارزیابی نتایج استعلام‌ها، اقدام به تصدی یا عدم تصدی فرد مورد نظر کند. این قانون اختیار را از مقام منصوب‌کننده سلب کرده و انتصاب را مبتنی بر نتایج استعلام کرده است. اگر ماده ۲ قانون را نگاه کنیم، در کنار برخی ضوابط قابل قبول و پذیرش، بندهایی قرار گرفته که قابل تعبیر و سوءاستفاده سیاسی است. یعنی واژه‌های کلانسی آمده که براساس آن

ضد‌مذهب رسمی کشور و ضدانقلاب و فعالان علیه نظام و عوامل مرتبط با آنها و نیز فعالان در نشر و انتشار موارد مستهجن در فضای مجازی. ح - استعمال کنندگان و معتادان به مشروبات الکلی، مواد مخدر و روان‌گردان. خ - محکومان به قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، سلاح و مهمات جنگی و همچنین کسانی که به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و حدود شرعی محکوم شده‌اند. د - مشهوران به فساد و متجاهران به فسق. ذ - کسانی که در جریان تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، متخلف شناخته شده و توسط مراجع قضائی به مجازات تعزیری قطعی در چه (۱) تا (۵) محکوم شده‌اند. تبصره - چنانچه در تمامی موارد فوق، خلاف آن در مراجع صالح قضائی اثبات یا حکم برائت صادر شود، ممنوعیت مذکور رفع خواهد شد.»

ماده ۳ - در سومین ماده به مصادیق مشاغل حساس به صورت کوتاه اشاره شده که در آن آمده است: «مصادیق مشاغل حساس هر دستگاه براساس مؤلفه‌های (ضوابط) زیر و به پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه و تأیید کارگروهی متشکل از وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، سازمان اداری و استخدامی کشور و نماینده تام‌الاختیار دستگاه مربوط، تعیین می‌شود: الف - دسترسی به اسناد، مدارک و اطلاعات طبقه‌بندی شده (سندی یا رقومی) ب - دسترسی مستمر به اماکن و تأسیسات دارای رده حفاظتی براساس مصوبات شورای عالی امنیت ملی و شورای امنیت کشور. پ - دسترسی مؤثر و مستمر به شخصیت‌های حفاظت‌شده بر اساس مصوبات شورای امنیت کشور. ت - ارتباط مستمر با اتباع بیگانه. ث - تأثیرگذاری تصمیمات در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی. ج - اختیارات کلان

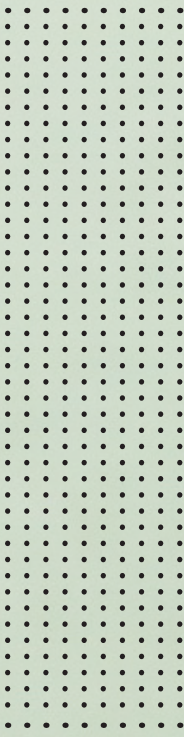
مالی». پس از اشاره به مصادیق، قانون‌گذار در این ماده لیست بلندبالایی را ارائه کرده و گفته است که این مشاغل جزء مشاغل حساس محسوب می‌شوند. در این ماده آمده است: «معاونان و مشاوران رئیس‌جمهور و قائم‌مقام آنها، قائم‌مقام، معاونان و مشاوران وزرا، رؤسا و مدیران عامل، مدیران کل و هم‌ترازان آنها در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و دستگاه‌هایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از قبیل: شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و مدیران سیاسی اعم از سفرا، استانداران، کارداران، رایزن‌ها، فرمانداران، بخشداران، شهرداران به‌استثنای نهادهای تحت امر مستقیم مقام معظم رهبری مانند نیروهای مسلح و منصوبان مستقیم مقام معظم رهبری و مشاغلی که برای انتصاب اشخاص در قانون اساسی تشریفات خاصی برای آن پیش‌بینی شده و کارکنان قوه قضائیه (اعم از قضات و کارمندان) که صلاحیت آنها توسط حفاظت اطلاعات مربوط احراز و اعمال می‌گردد، در زمره مشاغل حساس محسوب شده و مشمول مقررات این قانون هستند.»

ردصلاحیت جدید؟

با حاشیه‌هایی که پیرامون موضوع استعلام به میان آمده، اینگونه به نظر می‌رسد که اگر تاپیش از این برای انتخاب یک وزیر، معاون و یا مدیر فقط نظر رئیس‌جمهور، وزیر و یا مدیر مربوطه مهم بود، ضلع دیگری هم به ماجرا اضافه شده که بدون در نظر داشتن و نگاه به تخصص و کارایی فرد، می‌تواند مهر «ردصلاحیت» را به پیشنهادی انتخاب صورت‌گرفته بزند و بگوید که او نمی‌تواند به جایگاه مورد نظر برسد؛ ماجرای که هر چند پیش از آن هم شاید در شکل‌های عرفی وجود داشته و استعلام‌هایی توسط مدیر بالادستی برای اطمینان خاطر گرفته می‌شد اما با تبدیل شدن به قانون، عملاً مرحله شدیدی را برای رئیس‌جمهور، وزرا و مدیران ایجاد می‌کند که می‌تواند روی شایسته‌گزینی هم سایه بیندازد. در کنار آن باید فراموش کرد که این قانون در دوره‌ای تصویب شده که مره دوم یکدست‌سازی سیستم پس از انتخابات‌های ۹۸ و ۱۴۰۰ (که موفقیت انجام شد و شاید تصویب چنین قانونی، یک گام دیگر در راستای یکدست کردن سیستم و ممنوعیت ورود برای تفکرات سیاسی مخالف یکدست‌سازی باشد.



محسن رنایی:
خبیر دارم که
کاندیداهای تراز
اول وزارتخانه‌های
تو را فقط به‌خاطر
تحصنی‌یا
امضای بیانی‌های
یا نوشتن نامه‌ای
در گذشته‌های
دور، ردصلاحیت
کرده‌اند



سلاطین مختلف قابل اعمال است. از آن طرف هم اعمال نظرها بر نظر مقام منصوب‌کننده حاکم شده و این شرایط دشواری را برای انتصاب‌ها می‌تواند ایجاد کند و اختیارات ذاتی مدیران را در انتصاب نیروهای زیردست خودشان بر مبنای نوع نگاه مدیر از بین می‌برد. این موضوع قابل نقد است و به نظر من این قانون مشکلاتی دارد که باید در فرصت مناسب اصلاح شود. درباره شکل‌گیری کابینه هم همانطور که اعلام شده، رئیس‌جمهوری استعلام گرفته است اما همین قانون سخت‌گیر درباره وزرا استثنا قائل شده است، زیرا سازوکار آنها در قانون اساسی مشخص شده و رئیس‌جمهور الزامی به استعلام ندارد. البته رئیس‌جمهور براساس سلیقه خودش می‌تواند استعلام بگیرد، ولی درباره معاونین رئیس‌جمهور و سایر مقامات، این قانون حکم می‌کند که استعلام صورت بگیرد.

«وجود این قانون را چقدر در لیست ارائه‌شده تأثیرگذار می‌دانید؟ به عبارتی به نظرتان لیست تا چه میزان تحت‌تأثیر این قانون بوده و اگر چنین مانعی برای رئیس‌جمهور وجود نداشت، چقدر لیست متفاوت‌تر می‌شد؟»

تا جایی که من اطلاع دارم، در خصوص وزرا موضوع استعلام تأثیر تعیین‌کننده نداشته است. آنچه که من فکر می‌کنم بیش از استعلام تأثیرگذار بوده، توجه به موازنه قدرت و قوا در کشور بوده است و این هم توجهی معقول است. زیرا در نظر نگرفتن موازنه قوا و بی‌توجهی به آن، می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند که از جمله می‌توان به مشکل کابینه در گرفتن رأی اعتماد از مجلس اشاره کرد.

«بسته‌شدن دست رئیس‌جمهور و یا وزرا برای استفاده از افراد مدنظر با استناد به این قانون چه تبعاتی برای کشور و مجموعه دولت دارد؟»

این قانون تبعات سختی خواهد داشت و در واقع جرأت تصمیمات بزرگ و اعمال ابتکار در دوره مدیریت از مدیران سلب می‌شود و مدیران از ترس اینکه با همان بندهای قابل تفسیر در دوره‌های بعدی با استعلام‌های منفی روبه‌رو نشوند؛ دست به اقدام بزرگی نمی‌زنند و چنین موضوعی باعث می‌شود که مدیران کوتاه‌قد روی کار بیایند و در واقع اختیارات ذاتی مدیر برای انتخاب همکار، در چنبره اعمال نظر نهادهای پاسخ‌دهنده به استعلام قرار می‌گیرد و زمینه را برای روی کار آمدن این دسته مدیران فراهم می‌کند. اینها عوارضی است که قطعاً آثارش را در کارکرد و خروجی دولت نشان می‌دهد.



هم نمی‌دانم. شاهد کاری با اراده خلاف منافع و مصالح عمومی هستیم و شاهد آن همین اتفاقات اخیر است که پیرامون کابینه دکتر پزشکیان مشاهده کرده‌ایم.

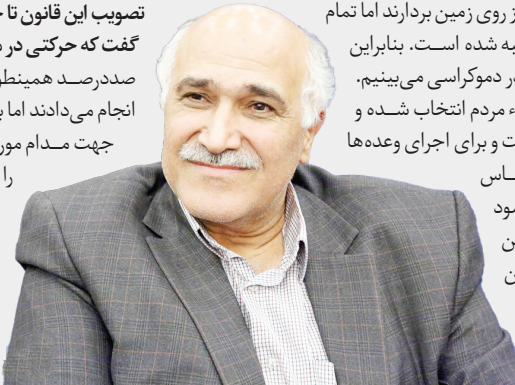
«در تبصره ۵ ماده یک این قانون عنوان «انتصاب مقاماتی که در قانون اساسی تشریفات خاصی برای آن پیش‌بینی شده» به عنوان یکی از استثناها قرار داده شده است. تفسیر شما از این تبصره چیست؟ با توجه به اینکه برای انتصاب وزرا، در قانون اساسی تشریفات در نظر گرفته است، گرفتن استعلام توسط رئیس‌جمهور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

من استنباطم از این تبصره این است که اصلاً آقای رئیس‌جمهور می‌توانست برای وزرا استعلام نگیرد زیرا برای وزرا تشریفات خاصی در نظر گرفته شده و این قانون شامل سایر مشاغل می‌شود. من اگر بودم به ایشان می‌گفتم که ضرورتی به استعلام ندارد و این عدم استعلام منطق محکم حقوقی دارد. این منطق می‌گوید هیچ قانون عادی نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی باشد. این قانونی که در سال ۱۴۰۱ تصویب شده، قانون عادی است و رئیس‌جمهور می‌توانست با استفاده از همین تبصره وزرایی که مدنظرش هستند را معرفی کند که متأسفانه این کار انجام نشده است.

رسیده را زمین‌گیر می‌کند، به عبارت دیگر می‌توان گفت این قانون دموکراسی و مردم را زمین‌گیر می‌کند و همه مسائل در یک استعلام خلاصه می‌شود. این روش باعث می‌شود همه چیز به سخره گرفته شود و اعلام می‌کنند که در حال اجرای قانون هستند. من هم به عنوان معلم حقوق در دانشگاه، برای قانون جایگاه خاصی قائل هستم اما نمی‌توان به نام قانون خیلی چیزهای دیگر را زمین‌گیر کرد.

«باتوجه به اینکه این قانون در دوره یکدست‌سازی انجام شده، تصویب این قانون تا چه میزان سیاسی است؟ آیا می‌توان این‌گونه گفت که حرکتی در مسیر یکدست شدن به شمار می‌رود؟»

صددرصد همینطور است. اینها پیش از این یکسری کارهایی انجام می‌دادند اما برای آن مستمسک قانونی نداشتند و از این جهت مدام مورد انتقاد بودند و در سال ۱۴۰۱ این قانون را تصویب کردند که پوششی قانونی برای کارهایشان داشته باشند. البته به نظر من این قانون سیاسی هم نیست، بلکه جناحی محض و برای به کرسی نشاندن منافع خاص یک جناح است که هیچ اصل و مرام و چارچوبی ندارند و من حتی آنها را اصول‌گرا



ادامه یادداشت سردبیر

آری؛ فراموشی بدردی است. شاید بدترین دردها. همچون آلزایمری‌ها که وقتی نسیان‌شان به اوج و بیماری‌شان به نهایت می‌رسد، میان کوچه و خیابان مبهوت می‌مانند. نه خود را می‌شناسند و نه دیگران را و نه راه خانه را. رها می‌شوند در بیراهه. در گمنامی. در حیرت.

در این گردوخاک برخاسته، شاید دمی ایستادن و به ر سختی چشم گشاندن، بهتر باشد تا کورمال کورمال به پیش رفتن و خود را به دامن خطری بزرگتر و مصیبتی صعب‌تر انداختن. چشم بگشاییم و هوش بازیابیم و فراموشی کنسار گذاریم. ببینیم در کجا ایستاده‌ایم. چشم به کمی دورتر اندازیم. چند لحظه دست از گریبان پزشکیان رها کنیم و نتایج‌ها را نیز ببینیم. ترامپ آمده تا آستانه در کاخ سفید را نیز در نظر آریم. در کنار اخبار کابینه و شایعات و شبهات درباره وزرای پیشنهادی، اخبار منطقه را نیز از نظر دور نداریم. ببینیم همین الان که ما مدام به پزشکیان خرده می‌گیریم از معرفی چند وزیر، تلفن دفتر او مدام زنگ می‌زند و مقامات انگلیس و فرانسه و آلمان به او پیام‌های هشدارآمیز می‌دهند درباره آنچه پس از ترور اسماعیل هنیه در جریان است و سطح واکنش ایران. چشم بگشاییم و گوش داریم به تل‌آویو. آنجا که نتایج‌ها و افراطی‌ترین کابینه تاریخ اسرائیل، برای نجات خود از مخمصه و فرس فرمز انداختن پیش پای ترامپ، از حمله‌پیشدستانه به ایران می‌گویند.

فراموش نکنیم همه این تلاش‌ها، همه این بهمیدان آمدن‌ها قرار بود و قرار است «برای ایران» باشد؛ برای کشوری که دو دهه است خواسته یا ناخواسته، با مکر و نقشه راست افراطی (چه از نوع ایرانی و کاسب تحریم آن و چه از نوع اسرائیلی و آمریکایی آن)، به مسیر احتیاط افتاده است و در شیب، به سرعت سوی پرتگاه می‌تازد. فراموش نکنیم آمدیم و پزشکیان را حمایت کردیم برای توقف یا دست‌کم، کند کردن این سقوط.

نمی‌گوییم آنان که به نقد کابینه و چند گزینه پراپهان آن برخاسته‌اند، درد منفعت دارند و نه دغدغه ملت. هرگز. چنین نیست. آنان نیز بحق نگران اند که قرار دادن وزیری ضعیف در آموزش پرورش، نسل آینده ایران را بر باد دهد. نگران اند که قرار دادن پلیسی در جه‌چندم و غیرسیاسی در وزارت کشور، دست «همسازان و وزیر اطلاعات» بردارن را گشاده نگه دارد. نگران اند که ابقای وزیر اطلاعات، دست پرورنده‌سازان و سناریویپردازان علیه ملت و چالش‌ها و حفره‌های ساختار امنیت را باز نگاه دارد. همچنان که نمی‌گوییم گرفتار شدن پزشکیان در دام مجاهدان شنبه و مخالفان سرسپرده، واقعیت‌ندارد.

اما اتفاقاً، چون اینها واقعی است؛ جا دارد واقع‌بینانه‌تر به صحنه بنگریم و صف‌بندی‌های غیرواقعی را دامن نزنیم. عارف را به تیر تهمت و متلک و توثیت نوازیم. ظریف را در حاشیه نخواهیم و به گوشه دانشگاه بیناندازیم. پزشکیان را «رئیس دوم» ننامیم و امیدهای‌مان را به او نبازیم. فرصتی که برای احیای سیاست و کنشگری و مشارکت دوباره فراهم آمده، به هیچ نیانگاریم. دستاورد شورای راهبری و کمیته‌ها و صدها کارشناس و کنشگر را اقدر دانیم و در مورد آن ۹گزینه‌برآمده سازوکار ناشفاف‌نیز، مطالبه‌گر باشیم. اما نگذاریم مطالبه‌گری و پریش، بستر و بهانه‌ای شود برای بازگشت از مسیر سیاست‌ورزی مشارکت‌جویانه، منتقدانه و متکی و مبتنی بر منافع ملی. پریشانی را دامن نزنیم و به کنج خانه پشیمانی باز نگردیم.

فراموش نکنیم خواست اصلی رای دهندگان و شعار اساسی پزشکیان، کاهش تنش در داخل و گشایش در خارج بود. پزشکیان مدعی است وزرایی که پیشنهاد کرده، بر این اساس بوده است و از منتقدان، صبر و انتظار می‌خواهد که عملکرد دولت را نشان دهد. حتماً حرف‌هایی ناگفته درباره این انتخاب‌ها هم دارد. مطالبه اصلی باید این باشد که ناگفته‌ها را بگوید و آنها را به انتخباتی دیگر واگذارد. نگذارد ابهام‌ها هر دم اینها شده شود و گردوخاک کنونی چون توفان شن برآید و این نهال نوپای کاشته را از میان ببرد. هم پزشکیان و هم رای‌دهندگان و هم کنشگران مسئولیت دارند در حراست این نهال. در بالندگی آن. در قد کشیدن آن. اما فراموش نکنیم زمین سخت است و تشنه. زمینی که سال هاست جای آب و کود، به آن اسید و خون پاشانده‌اند. و هر دانه و بذری را بی‌حاصل گذاشته‌اند. راه را بر باغبانان بسته‌اند و راهزنان در جای پاسبانان نشستند. احیای این زمین تشنه، برکشیدن این نهال نوپا عرق ریختن می‌خواهد. خون دل خوردن می‌خواهد. جان به لب رسیدن می‌خواهد. اما بیش و پیش از همه اینها، چشم گشودن می‌خواهد. خود را ببینیم و ایران را و جهان را. بکوشیم در جامع و منطقی دیدن و منصفانه سخن گفتن. تک‌وجهی دیدن، چندان بهتر از ندیدن نیست. صرفاً پیش پای خود دیدن و خطراتی پیرامون را رها کردن نیز، کم‌آسیب‌تر از چشم بستن نیست. آن‌هم در راهی چنین دشوار و پیچ‌وخم‌دار. پس، چشم بگشاییم تا راه کم‌نکتم و به بیراهه‌های فرعی نیفتیم. راه اصلی، «برای ایران» رفتن است؛ نه گریبان یکدیگر، گرفتن...